



ISSN:2588-7033

Journal of Historical Study of War

<http://hsow.araku.ac.ir>



From Normandy to Jerusalem: How Did the Norman Conquests in Europe Pave the Way for the Course of the Crusades?

Mahdi Mohammadi ^{a*}

^a Assistant Professor, Department of Islamic History, Faculty of Islamic Studies, Ahlulbayt International University, Tehran, Iran

KEYWORDS

Normans, Crusades,
Heavy Cavalry,
Byzantium, Holy War

Received: 27 January 2026;
Accepted: 28 September 2026

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/hsow.2026.2083799.1663

ABSTRACT

Norman conquests in Europe brought about shifts in the historical timeline that, through historical causation, constitute an important part of the causes of the Crusades. This influence was not merely confined to setting pre-conditions; rather, a formidable Norman presence was conspicuously manifested at the heart of the Crusades. Employing a historical method grounded in primary sources, this study seeks to answer: How did Norman conquests across Europe (Normandy, England, Sicily, and the Balkans) provide the military, political, and ideological foundations necessary for the formation and success of the Crusades? The findings demonstrate that the Normans not only revolutionized Europe's military "hardware" by perfecting heavy cavalry, developing castle-building, and creating a professional warrior class, but also supplied the intellectual and motivational "software" needed for the campaign to the East by weakening the Byzantine Empire, offering a concrete model of "holy war" in Sicily, and channeling the military energy of landless aristocrats.

* Corresponding author.

E-mail address: m.mohamadi.abu@gmail.com





از نورماندی تا اورشلیم: چگونه فتوحات نورمن‌ها در اروپا، روند جنگ‌های صلیبی را هموار کرد؟

مهدی محمدی^{الف}*

الف استادیار، گروه تاریخ اسلام، دانشکده مطالعات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت تهران، ایران، m.mohamadi.abu@gmail.com

واژگان کلیدی	چکیده
نورمن‌ها، جنگ‌های صلیبی، سواره نظام سنگین، بیزانس جنگ مقدس	فتوحات نورمن‌ها در اروپا تغییراتی را در روند زمانی موجب شد که در تعللی تاریخی بخش مهمی از علل جنگهای صلیبی است. این امر صرفاً به ایجاد زمینه‌های جنگ‌های صلیبی خلاصه نشد بلکه در بطن جنگ‌های صلیبی حضور پر رنگ نورمن‌ها مشهود است. این مقاله با استفاده از روش تاریخی و مستند به منابع دست اول تلاش کرده به این سوال پاسخ دهد که فتوحات نورمن‌ها در اروپا (نورماندی، انگلستان، سیسیل و بالکان) چگونه بسترهای نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک لازم برای شکل‌گیری و موفقیت جنگ‌های صلیبی را فراهم کرد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نورمن‌ها نه تنها با تکمیل سواره‌نظام سنگین، توسعه قلعه‌سازی و ایجاد یک طبقه جنگجوی حرفه‌ای، «سخت‌افزار» نظامی اروپا را متحول کردند، بلکه با تضعیف امپراتوری بیزانس، ارائه الگوی عینی «جنگ مقدس» در سیسیل و کانالیزه کردن انرژی نظامی اشراف بی‌زمین، «نرم‌افزار» فکری و انگیزشی لازم را برای لشکرکشی به شرق فراهم آوردند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۷/۰۶ مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

در منابع اسلامی، لاتین و یونانی که در مورد جنگ‌های صلیبی، وقایع نگاری کرده‌اند، نقش نورمن‌ها به وضوح و قرائن مشخص شده است. نورمن‌ها در جنگهای صلیبی صرفاً نیروهای زبده نبودند، بلکه روندی از تحولات را رقم زدند که منجر به یکی از نقاط عطف تاریخ قرون وسطای اروپا و جهان اسلام، یعنی جنگ‌های صلیبی شد. نقش نورمن‌ها در روندی که به جنگ‌های صلیبی منجر شد، تا حد زیادی متناقض و نیازمند واکاوی عمیق‌تر است. پروفیسور رابرت بارتلت استاد برجسته آکسفورد و از متخصصان تاریخ قرون وسطای اروپا، عبارتی تأمل برانگیز در مورد وضعیت وایکینگ‌ها و تأثیری که بر جامعه اروپا داشتند، دارد: «چگونه شد که «بازمانده‌های وایکینگ»^۱ حملات سال ۹۱۱ م، اربابان یک قلمرو بزرگ، فاتحان انگلستان و جنوب ایتالیا و بنیانگذاران تنها امپراتوری «استعماری» قرون وسطی شدند؟» (Bartlett, 1994: 24).

منظور از «بازمانده‌های وایکینگ» چیست؟ این عبارت به گروهی از وایکینگ‌ها اشاره دارد که در اوایل سده دهم میلادی، پس از یک سری یورش‌های ناموفق به پادشاهی فرانک‌ها، در بن‌بست و تنگنای سیاسی و نظامی قرار گرفتند. آن‌ها نه توانایی ادامه

^۱ وی از ترکیب واژگانی «the Viking leftovers» استفاده کرده که برای انتقال مفهوم و بار معنایی این عبارت از بازمانده‌های وایکینگ استفاده شده است.

یورش‌های موفقیت‌آمیز اوایل مهاجرت خود از سرزمین‌های شمالی را داشتند و نه می‌توانستند به اسکاندیناوی بازگردند (اغلب به دلیل جنگ‌های داخلی و از دست دادن پایگاه قدرت در موطن خود). بنابراین، در وضعیت «بازمانده» و سرگردانی به سر می‌بردند. این نوادگان مهاجمان اسکاندیناویایی در سده دهم میلادی در شمال فرانسه اسکان یافته بودند و در فاصله‌ای کوتاه به یکی از مؤثرترین و مخرب‌ترین نیروهای نظامی - سیاسی اروپا تبدیل شدند و دستاوردهای توسعه‌طلبانه آنان، مسیر تاریخ اروپا را به سوی جنگ‌های صلیبی هموار کرد.

روند دگردیسی این جنگجویان سرگردان، به شکل‌گیری هویتی جدید انجامید که با نام «نورمن‌ها» در تاریخ ماندگار شد. از منظر ریشه‌شناسی، واژه «نورمن»^۲ برگرفته از واژه فرانسوی کهن (Normans) و ریشه اسکاندیناویایی (Norðmaðr) به معنای «مردان شمال»^۳ است (Douglas, 1964: 15). هنگامی که این گروه از مهاجمان بر اساس پیمان سن‌کلر-سور-اپت در سال ۹۱۱ میلادی در شمال فرانسه مستقر شدند، ساکنان بومی فرانک، آن‌ها را به دلیل خاستگاه جغرافیایی‌شان به این نام خواندند. با گذشت زمان و پذیرش مسیحیت، واژه «نورمن» به هویتی مستقل و متمایز تبدیل شد که نماینده آمیختگی تبار اسکاندیناویایی با فرهنگ، زبان و ساختار فئودالی فرانک‌ها بود (Bates, 1982: 18). با این وجود، وقایع‌نگاران معاصر در برخی موارد همچنان آنان را با عنوان «وایکینگ» یا «دزدان دریایی شمال» خطاب می‌کردند. این امر دو دلیل عمده داشت؛ نخست آنکه تبار و ریشه نژادی آن‌ها مستقیماً به همان دریانوردان اسکاندیناوی بازمی‌گشت و دوم آنکه، روحیه جنگاوری، تاکتیک‌های تهاجمی سریع و مهارت‌های برجسته دریانوردی آنان، همچنان یادآور سنت‌های نیاکانشان بود (Brown, 1984: 22). بنابراین، کاربرد متناوب این دو واژه در منابع، نشان‌دهنده دوران گذار و پیچیدگی هویتی آنان از مهاجمانی بی‌سرزمین (وایکینگ) به اشراف‌زادگانی سازمان‌یافته و حاکم (نورمن) در سده‌های دهم و یازدهم میلادی است.

نورمن‌ها هرچند خاستگاهی فرودست داشتند، ظرفیت‌هایی داشتند که موفقیت آنها را تضمین کرد. آنان در «نورماندی» آموختند که چگونه هویت اسکاندیناویایی خود را با ساختارهای فئودالی، زبان و مذهب فرانک‌ها تلفیق کنند و از این آمیختگی، فرهنگ منحصر به فرد و نیرومندی پدید آورند. یک مورخ معاصر آنان، اردریک ویتالیس^۴ (متوفی ۱۱۴۲م)، که خود در نورماندی می‌زیست، به خوبی به این دوگانگی اشاره می‌کند: «خون دنامارکی آنان را بی‌قرار و جسور کرده بود، ولی اکنون تحت تأثیر قانون و نظم فرانسوی، مهار شده و مسیحی شده بودند» (Orderic Vitalis, 1854: 122). این تبدیل از مهاجمان دریایی به اشراف فئودال مسیحی، اولین مرحله از دگردیسی آنان بود.

با این حال، عطش سیری‌ناپذیر آنان برای فتح و تصرف زمین، نورماندی را برای بلندپروازی‌های آنان تنگ کرد. در سده یازدهم، آنان در جهات مختلف در اروپا دست به فتوحات جدیدی زدند که با غارت‌های قبلی متفاوت بود. در قرن یازدهم نورمن‌ها به دنبال تشکیل حکومت بود که البته در رسیدن به این هدف نیز موفق بودند، خواه در ابعاد کلان مانند فتح انگلستان و خواه در ابعاد خرد مانند تصرف سیسیل. انگلستان را در سال ۱۰۶۶م. زیر پرچم ویلیام فاتح فتح کردند و تقریباً همزمان، به تدریج کنترل جنوب ایتالیا و سیسیل را از دست بیزانسی‌ها و مسلمانان خارج ساختند. این فتوحات، تنها توسعه قلمرو نبود، بلکه برای این قوم انعطاف‌پذیر

² Norman

³ Northmen

⁴ Orderic Vitalis

روندی از پیشرفت بود. نورمن‌ها در سیسیل، با ایجاد دولتی متمرکز و کارآمد که بر سه فرهنگ لاتین، یونانی و اسلامی نظارت می‌کرد، «نخستین دولت استعماری اروپای قرون وسطی» را بنیان نهادند (Davis-Secord, 2017: 8). این تجربه اداره سرزمین‌های چندفرهنگی، بعدها در شرق برای آنان بسیار مفید واقع شد.

نکته متناقض در مورد تأثیر نورمن‌ها بر اروپا اینجاست که توسعه‌طلبی نورمن‌ها، که در بسیاری از موارد علیه مسیحیت اعم از دول مسیحی کاتولیک و ارتدوکس (بیزانس) بود اما در نهایت منجر به توسعه‌ی آرمان به ظاهر مذهبی جنگ صلیبی شد. تهاجمات مکرر نورمن‌ها به بالکان و تهدید قسطنطنیه در دهه ۱۰۸۰ به رهبری رابرت گیسکارد، امپراتوری بیزانس را به شدت تضعیف کرد. در حالی که قسطنطنیه خود را به‌ویژه پس از شکست ملازگرد (۴۶۳ ه.ق. / ۱۰۷۱ م.)، در معرض تهاجم ترک‌های سلجوقی نیز می‌دید. از این رو آن‌ا کومننه، تاریخ‌نگار بیزانسی و دختر امپراتور، با خشم از رابرت گیسکارد به عنوان «آن اژدهای کومننه» و «بلای وحشتناکی» که علیه امپراتوری قیام کرد یاد می‌کند^۵ (Komnene, 2009: 51). این تهاجمات شرقی و غربی، بیزانس را چندان در ضعف قرار داد که ناچار از غرب و کلیسای کاتولیک درخواست کمک کرد، درخواستی که یکی از عوامل فراخوان جنگ صلیبی شد و به همان اندازه که مسلمانان را تهدید می‌کرد، برای بیزانس نیز خطرناک بود.

از سوی دیگر، پس گرفتن سیسیل از مسلمانان توسط نورمن‌ها، الگویی از «جنگ مقدس» را در مرزهای جهان اروپا ارائه داد. آنان خود را «سپر ایمان» و «شمشیر کلیسا» نشان می‌دادند (Loud, 2000: 297). این روند بخشی از یک تحول بزرگ‌تر در الهیات مسیحی غرب بود که در آن، مفهوم جنگیدن در راه خدا تدریجاً از وضعیت یک ضرورت ناخوشایند به یک عمل مثبت و فضیلت‌مندانه ارتقا یافت که می‌توانست موجب بخشش گناهان باشد (Riley-Smith, 2008: 15). لود به دقت اشاره کرده که نورمن‌ها چگونه هوشمندانه خود را «شمشیر کلیسا» جا زدند و از تأیید پاپ برای مشروعیت بخشی به فتوحاتشان استفاده کردند (Loud, 2000: 297). نورمن‌ها در سیسیل، با کسب حمایت پاپ برای فتوحاتشان، به پیشقراولان عملی این تحول ایدئولوژیک تبدیل شدند و الگویی عینی برای «جنگ مقدس» فراهم آوردند که بعدها در شرق تکرار شد. در حالی که با بررسی رفتار آنها از فتوحات در سرزمین‌های مسیحی و مسلمان به خوبی می‌توان دریافت که انگیزه‌های اصلی آنان زمین و ثروت بود. این دوگانگی را می‌توان در منابع اسلامی نیز دید. ابن اثیر (متوفی ۱۲۳۳ م.)، با درک درستی از تداوم ماهوی توسعه‌طلبی افرنج، به روشنی می‌نویسد که حمله صلیبیون به شرق، ادامه‌ی طبیعی فتوحات آنان در سیسیل بود (ابن اثیر، ۱۹۶۵: ۲۷۲/۱۰). بر این اساس، مسئله اصلی این مقاله این است که چگونه فتوحات نورمن‌ها در اروپا، روند جنگ‌های صلیبی را هموار کرد؟

فرض بر این است که نورمن‌ها نه به صورت تصادفی، بلکه از طریق یک فرآیند تاریخی هدفمند، با تحول در هنر رزمی اروپا (از طریق تاکتیک‌های سواره نظام سنگین و قلعه‌سازی)، ایجاد یک طبقه جنگجوی حرفه‌ای و بیکار، تضعیف بیزانس به عنوان رقیب و ارائه الگویی از جنگ مقدس مرزی، بسترهای نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیک لازم برای جنگ‌های صلیبی را مهندسی کردند. برای

^۵ "...that dragon of the Comneni family, Robert...all the Latin countries had a passionate desire to seize the Roman Empire and Robert, that terrible plague, had risen from the West against us." "dragon of the Comneni family":

آنا کومننه از این استعاره بسیار قوی استفاده می‌کند زیرا اژدها نماد خاندان کومننوس (خاندان خودش) بود. بنابراین، توصیف رابرت گیسکارد به عنوان «اژدهای خاندان کومننوس» نوعی توهین و طعنه بسیار ماهرانه است؛ گویی او یک هیولای غاصب است که نماد خاندان امپراتوری را به سرقت برده است. این نشان‌دهنده عمق خشم و تحقیر آنا کومننه نسبت به اوست.

"terrible plague" استفاده از کلمه "plague" (طاعون یا بلای وحشتناک) نشان می‌دهد که او تهاجمات رابرت گیسکارد را نه فقط یک جنگ، بلکه یک مصیبت الهی و یک بلا برای امپراتوری می‌دانسته است. این نقل قول به خوبی خشم، ترس و تحقیر نخبگان بیزانسی را در برابر قدرت فزاینده و تهاجم‌های نورمن‌ها نشان می‌دهد.

آزمون این فرضیه از روش تاریخی (Historical Method) استفاده شده است. رویکرد این مقاله تحلیلی-تبیینی است. هدف اصلی، نه تنها بازگویی رویدادهای مربوط به نورمن‌ها و جنگ‌های صلیبی، بلکه واکاوی رابطه علی بین کنش‌های نورمن‌ها در اروپا و شکل‌گیری بسترهای لازم برای جنگ‌های صلیبی است. در فهم روایت تاریخی «فهم گذشته در زمینه خودش» و همچنین «تشریح چگونگی و چرایی رخداد رویدادها» مورد توجه است (Tosh, 2022: 52). این پژوهش در پی دستیابی به همین هدف دوگانه است: فهم انگیزه‌ها و زمینه‌های کنش نورمن‌ها و در عین حال، تشریح چگونگی تأثیر این کنش‌ها بر روند گسترده‌تر تاریخ. فرآیند تحقیق در سه مرحله اصلی صورت پذیرفته است: ۱. گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع دست اول لاتین، یونانی و عربی. منابع اولیه مورد استفاده شامل متون تاریخی معاصر رویدادها، همچون «آلکسیاد» اثر آنا کومننه (اصل به زبان یونانی، استفاده شده از ترجمه انگلیسی)^۶، «الکامل فی التاریخ» اثر ابن اثیر (به زبان عربی)، و «تاریخ انگلستان مسیحی و نورماندی» اثر اوردریک ویتالیس (به زبان لاتین استفاده شده از ترجمه انگلیسی) است. در قسمت تحلیل از یافته‌های پژوهش‌های انگلیسی بهره گرفته شده است. این منابع به صورت نقد بیرونی از جهت اصالت روایت و با نقد درونی از جهت صحت روایت مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند (Garraghan, 1946: 168). این مرحله برای اطمینان از اعتبار و قابلیت اعتماد شواهد تاریخی استفاده شده ضروری بود. برای مثال، در تحلیل گزارش‌های آنا کومننه، که از مخالفان سرسخت نورمن‌ها بود، جانب‌داری ذاتی نویسنده به دقت در نظر گرفته شد. در نهایت، داده‌های نقد شده، سازماندهی، مقایسه و تفسیر شدند تا به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شود. از تحلیل روند^۷ برای ردیابی توالی و تأثیر متقابل کنش‌های نورمن‌ها (نظامی، سیاسی، مذهبی) استفاده شده است. به عبارت دیگر، این پژوهش به دنبال یافتن توالی علی است که در آن نیروهای تاریخی در یک زمینه ساختاری عمل می‌کنند (Howell & Prevenier, 2001: 103). این تحلیل امکان می‌دهد تا نشان دهیم چگونه فتوحات نورمن‌ها در سیسیل، درگیری‌های آنان با بیزانس، و تحولات نظامی‌شان در اروپا، در مجموع شرایطی را ایجاد کرد که پاسخ به فراخوان اوربان دوم را ممکن ساخت. در مجموع، تلاش شده چارچوبی علمی برای بررسی این فرضیه فراهم آورده شود که نورمن‌ها نه تنها به عنوان شرکت‌کننده، بلکه به عنوان یکی از عوامل اصلی ایجاد شرایط امکان‌پذیر شدن جنگ‌های صلیبی عمل کردند.

پیشینه پژوهش

مورخان کلاسیک مانند دیوید سی. داگلاس (۱۹۷۲) در اثر خود به بررسی جامع دستاوردهای نورمن‌ها در انگلستان، نورماندی و جنوب ایتالیا پرداخته و تأکید کرده است که «نورمن‌ها استادان بلامنازع هنر جنگ در قرن یازدهم بودند» (ص ۹۵). اگرچه داگلاس به صورت پراکنده به نقش بعدی آنان در شرق اشاره می‌کند، پیوند سیستماتیک بین فتوحات اروپایی و جنگ‌های صلیبی را به صورت عمیق بررسی نمی‌کند. ر.آلن براون (۱۹۸۴) بر برتری نظامی نورمن‌ها، به‌ویژه در زمینه سواره‌نظام سنگین و معماری قلعه‌سازی، تأکید می‌ورزد. او معتقد است این عوامل، کلید موفقیت‌های آنان بود (Brown, 1984: 67). نقطه قوت کار براون، تحلیل دقیق توان رزمی نورمن‌هاست، اما این اثر نیز بیشتر بر فتوحات اولیه در اروپا متمرکز است و نقش نورمن‌ها را در تقابل با جهان اسلام به صورت گذرا برخورد می‌کند.

جان فرانس از برجسته‌ترین مورخان جنگ‌های صلیبی (۱۹۹۹)، به شکلی دقیق‌تر به نقش رهبران نورمن، به ویژه بوهموند، در

^۶ The ecclesiastical history of England and Normandy: Ordericus Vitalis

^۷ Process Analysis

تاکتیک‌های محاصره و نبرد در جنگ صلیبی اول می‌پردازد. فرانس استدلال می‌کند که تجربه جنگ‌های نورمن‌ها در برابر بیزانسی‌ها و مسلمانان در سیسیل و جنوب ایتالیا، آنان را برای نبرد در شرق آماده کرد (France, 1999: 213). این اثر، اگرچه از نظر تحلیل نظامی بسیار قوی است، به نقش نورمن‌ها در «آفرینش شرایط» برای جنگ‌های صلیبی، پیش از سال ۱۰۹۵ م کمتر می‌پردازد.

گراهام لود متخصص تاریخ نورمن‌های ایتالیا (۲۰۰۰)، به طور قانع‌کننده‌ای نشان می‌دهد که چگونه نورمن‌ها با فتوحات خود در جنوب ایتالیا و سیسیل، امپراتوری بیزانس را تضعیف و کلیسای رم را نیازمند اتحاد با خود کردند. او به دقت مفهوم موقعیت‌یابی نورمن‌ها به عنوان «شمشیر کلیسا» را تحلیل می‌کند (Loud, 2000: 297). کار لود برای این پژوهش از آن جهت حیاتی است که به طور مستقیم به «بسترسازی» نورمن‌ها در اروپا می‌پردازد.

کریستوفر تایرمن (۲۰۰۶)، بر این نکته تأکید دارد که فرهنگ جنگاوری و توسعه‌طلبی اروپای فنودال، که نورمن‌ها نماد برجسته آن بودند، شرط لازم برای شکل‌گیری جنبش صلیبی بود (Tyerman, 2006: 51). نگاه تایرمن کلان‌نگر و جامع است، ولی به صورت خاص بر نورمن‌ها به عنوان یک کاتالیزور مجزا متمرکز نمی‌شود. سارا دیویس-سکورد (۲۰۱۷) با رویکردی نوین، سیسیل نورمن را به عنوان پلی بین جهان‌های لاتین، یونانی و اسلامی تحلیل می‌کند. او استدلال می‌کند که این موقعیت منحصر به فرد، دانش و منابع لازم را برای نورمن‌ها فراهم آورد تا بعدها به بازیگران اصلی در صحنه شرق تبدیل شوند (Davis-Secord, 2017: 8). این اثر، چارچوب نظری ارزشمندی برای فهم نقش نورمن‌ها به عنوان یک «عامل ارتباطی» ارائه می‌دهد.

همانطور که مشاهده می‌شود، اگرچه پژوهش‌های غربی به طور پراکنده به جنبه‌های مختلف نقش نورمن‌ها پرداخته‌اند، هیچ‌کدام به صورت نظام‌مند و متمرکز، این فرضیه را که «فتوحات و نهادسازی نورمن‌ها در اروپا، بستر جنگ‌های صلیبی را مهیأ کرد»، بررسی نکرده‌اند. پژوهش‌های فارسی نیز عمدتاً توصیفی بوده و به تحلیل ریشه‌ها و پیوندهای علیّی نپرداخته‌اند. بنابراین، این مقاله در پی پر کردن این خلأ با ارائه تحلیلی یکپارچه و منسجم از نقش نورمن‌ها به عنوان «معماران توان رزمی اروپا برای جنگ در شرق» است.

در راستای تحقق این هدف و بر مبنای روش‌شناسی تاریخی-تحلیلی، مطالب این پژوهش در سه بخش اصلی سازماندهی شده است: بخش نخست، به تبیین هویت و ریشه‌شناسی نورمن‌ها و چگونگی گذار آن‌ها از وایکینگ‌ها به اشراف فنودال می‌پردازد. بخش دوم، دگرگونی‌های «سخت‌افزاری» و نوآوری‌های نظامی نورمن‌ها (نظیر تاکتیک سواره‌نظام سنگین و قلعه‌سازی) را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در نهایت، بخش سوم به تحلیل ابعاد «نرم‌افزاری» شامل تکوین ایدئولوژی جنگ مقدس، تحرکات سیاسی اشراف‌زادگان بی‌زمین و تضعیف امپراتوری بیزانس اختصاص یافته است.

انتخاب این سیر منطقی و ترتیب بخش‌بندی از آن رو ضرورت دارد که برای درک چگونگی نقش‌آفرینی نورمن‌ها در آغاز جنگ‌های صلیبی، ابتدا باید بستر هویتی و انگیزه‌های بنیادین آن‌ها شناخته شود؛ سپس ابزارها و توانمندی‌های نظامی آنان که ضامن پیروزی‌شان بود تحلیل گردد؛ و در نهایت، نحوه پیوند خوردن این قدرت نوظهور با آرمان‌های مذهبی و ژئوپلیتیک آن روزگار که منجر به گشوده شدن مسیر اورشلیم گردید، مورد واکاوی قرار گیرد.

۱. تبارشناسی و تکوین هویت نورمن‌ها در اروپا

برای درک دقیق نقش‌آفرینی نورمن‌ها در تحولات بنیادین قرون وسطی و جنگ‌های صلیبی، در گام نخست باید به ریشه‌ها و چگونگی شکل‌گیری هویت متمایز آنان پرداخت. این بخش، روند استقرار بقایای وایکینگ‌ها در شمال فرانسه و گذار آن‌ها از مهاجمانی بی‌نظم به اشراف‌زادگانی قدرتمند و فنودال را بررسی می‌کند. با انعقاد پیمان سنت کلر سوراپت در سال ۹۱۱ میلادی، این

جنگجویان که در ریشه‌شناسی تاریخی به «مردان شمال»^۸ شهرت داشتند، نه تنها در سرزمین نورماندی تثبیت شدند، بلکه با پذیرش ساختار سیاسی اروپا، دین مسیحیت و زبان فرانسوی، هویتی نوین، نظامی و پویا خلق کردند. همین دگردیسی هویتی و ساختاری بود که نیروی محرکه فتوحات بعدی آن‌ها در سراسر اروپا و سرانجام عامل پیشروی آن‌ها به سوی شرق مدیترانه شد.

۱.۱. تعریف نورمن‌ها و توضیح ویژگی‌های نظامی آنها در سرزمین مادری

نورمن‌ها، در بنیادی‌ترین تعریف، نوادگان وایکینگ‌های اسکاندیناویایی بودند که در سده دهم میلادی، بر اساس پیمان سن کلر سور اپتی^۹ در سال ۹۱۱ میلادی، اجازه یافتند در ناحیه‌ای از شمال فرانسه که امروزه به نام آنان نورماندی خوانده می‌شود، ساکن شوند. این گروه که توسط رهبری به نام رولو^{۱۰} هدایت می‌شدند، در ازای دریافت زمین، متعهد شدند به عنوان واسال پادشاه فرانک‌ها، از سواحل در برابر یورش‌های دیگر وایکینگ‌ها دفاع کنند (Bates, 1982: 12). این روند اسکان، نقطه آغازین دگرگونی آنان از مهاجمانی بی‌ثبات به یک نیروی سیاسی و نظامی سازمان‌یافته بود. آنان به سرعت هویت اسکاندیناویایی خود را با زبان، مذهب کاتولیک و ساختارهای فئودالی فرانک‌ها درآمیختند و از این تلفیق، فرهنگ منحصر به فرد و تهاجمی «نورمان» پدید آمد. جامعه نورمنی که در یک منطقه مرزی شکل گرفت، ذاتاً یک «جامعه جنگاور» بود که بقا و پیشرفت آن در گرو برتری نظامی دائمی بود (Davis, 1976: 45).

ویژگی‌های نظامی نورمن‌ها در سرزمین مادریشان، نورماندی، بر چند پایه اصلی استوار بود که بعدها عامل موفقیت‌های چشمگیر آنان شد. نخست سواره نظام سنگین زره‌پوش بود. هر چند در اسکاندیناوی به دلایل مختلف از جمله محدودیت‌های جغرافیایی، امکان توسعه سوار نظام وجود نداشت و تهاجمات اولیه وایکینگ‌ها مبتنی بر تأسیس سریع سوارنظامی سبک اسلحه بود، پس از استقرار در فرانسه، نورمن‌ها در به کمال‌رسانی و استفاده انبوه از سواره نظام سنگین^{۱۱} مشهور شدند. شوالیه‌های نورمنی که با زره‌های زنجیری و نیزه‌های بلند مجهز بودند، به یک نیروی ضربتی بُرنده و نماد جنگاوری آنان تبدیل شدند. تاکتیک حمله ناگهانی و متمرکز این سواره نظام، خطوط پیاده‌نظام دشمن را در هم می‌شکست (Hooper, 1992: 110). توانایی بدنی مردان شمالی نسبت به فرانک‌ها مزیتی مهم برای آنها برای استفاده از سلاح سنگین بود. دوم معماری نوین قلعه‌سازی آنها نسبت به سبک‌های پیشین بود. آنان با احداث سریع و گسترده قلعه‌های خاکی «موت و بیل»^{۱۲} توانستند قلمروهای تصرف شده را به سرعت تثبیت و اداره کنند. این قلعه‌ها هم کارکرد دفاعی و هم نماد سلطه بر منطقه داشتند و پایگاهی برای یورش‌های بعدی محسوب می‌شدند (Brown, 1984: 67). هر چند این قلاع مانند قلعه‌های سنگی متعارف قرون وسطایی استحکام نداشتند، با راهبرد حمله‌های سریع نورمن‌ها کاملاً منطبق و کارا بودند. از این جهت بود که در زبان انگلیسی، سرعت وایکینگ‌ها به صورت ضرب المثل درآمد (Bellows, 1936: 44 ; Price, 2020: 157 ; Larrington, 2014: 23). پایه سوم برتری نظامی نورمن‌ها انعطاف‌پذیری و قدرت تطبیق آنها با شرایط جدید بود. نورمن‌ها در اقتباس و بهبود فناوری‌های نظامی و شیوه‌های جنگی از دشمنان و همسایگان خود (مانند فرانک‌ها و بیزانسی‌ها) استعداد فوق‌العاده‌ای داشتند. این انعطاف‌پذیری، برتری تاکتیکی مهمی برای آنان ایجاد می‌کرد (Haskins, 1915).

⁸ Norðmaðr

⁹ Saint-Clair-sur-Epte

¹⁰ Rollo

¹¹ heavy cavalry

¹² Motte-and-bailey castles

45). در نهایت نظام فئودالی متمرکز یکی از عوامل مهم قدرت‌گیری سریع نورمنها بود. برخلاف بسیاری از مناطق اروپا که فئودالیسم به پراکندگی قدرت می‌انجامید، دوک‌های نورماندی موفق شدند یک ساختار فئودالی متمرکز ایجاد کنند که در آن، وفاداری شوالیه‌ها مستقیماً به دوک می‌رسید. این امر امکان بسیج سریع و کارآمد نیروهای نظامی را فراهم می‌آورد (Douglas, 1972: 102). این ترکیب منحصربه‌فرد از فرهنگ جنگاوری، نوآوری‌های تاکتیکی و سازماندهی سیاسی متمرکز، نورماندی را به یک «دژ نظامی» تبدیل کرد که نورمن‌ها را برای فتوحات آینده در انگلستان، مدیترانه و در نهایت، جنگ‌های صلیبی آماده ساخت.

۱.۲. روند تاریخی فتوحات نورمن‌ها

فتوحات نورمن‌ها که از نورماندی آغاز شد، در کمتر از یک سده، جغرافیای سیاسی اروپا و مدیترانه را دگرگون کرد. این روند تصاعدی که از میانه سده یازدهم شتاب گرفت، تنها ناشی از روحیه جنگاوری نبود، بلکه محصول سازماندهی سیاسی، برنامه‌ریزی استراتژیک و بهره‌برداری از فرصت‌ها بود. مورخان این گسترش سریع را نه یک سری رویدادهای پراکنده، بلکه حرکتی هماهنگ و هدفمند از سوی جامعه‌ای توصیف کرده‌اند که با محدودیت منابع در موطن اصلی خود روبه‌رو بود و توسعه سرزمینی را تنها راه بقا و ارتقای جایگاه خود می‌دانست (Loud, 2000: 5). هر چند که پیش از این توسعه‌ها تعدادی از نورمن‌ها راهی بیزانس شده بودند و برخی از آنها حتی به زیارت بیت‌المقدس رفته و در گارد وارانژ نیز خدمت می‌کردند، روند مسنجم آن پس از تأسیس نورماندی در لُرن فرانسه آغاز شد. مهمترین دستاورد نظامی آنها، فتح انگلستان بود. این نقطه عطف، با پیروزی ویلیام، دوک نورماندی، در نبرد هستینگز در سال ۱۰۶۶ میلادی رقم خورد. این پیروزی که با ادعای ارثیه‌ی تاج و تخت انگلستان توجیه می‌شد، نه تنها یک تغییر سلسله، که یک تحول اجتماعی و سیاسی عمیق را به دنبال داشت. ویلیام که اکنون «ویلیام فاتح» خوانده می‌شد، سیستم فئودالی متمرکز نورماندی را در انگلستان مستقر کرد و زمین‌های وسیعی را میان وفاداران نورمنی خود تقسیم نمود. نورمن‌ها با ساخت ده‌ها قلعه و جایگزینی اشراف آنگلوساکسون، سلطه خود را تثبیت کردند (Douglas, 1964: 204). این فتح، منابع اقتصادی و انسانی عظیمی را در اختیار نورمن‌ها قرار داد و پایگاه جدیدی برای جاه‌طلبی‌های بعدی آنان ایجاد کرد. پادشاهان نامدار جنگ‌های صلیبی مانند ریچارد اول معروف به شیر دل از این سلسله بودند. مضافاً آنکه پیش از آن نیز افرادی مانند دختر ویلیام نقش فعالی در بسیج نیروهای انگلستان برای جنگ‌های صلیبی داشت. همزمان در فرایند نسبتاً طولانی، نورمن‌ها توانستند موقعیت خود را در جنوب ایتالیا و سیسیل تثبیت کنند که البته در جنگ‌های صلیبی بیش از فتح انگلستان تأثیر داشت (Ibid: ۱۰۹۱-۱۰۱۷). همزمان با رویدادهای مهم نورماندی و انگلستان، گروهی دیگر از ماجراجویان نورمن به عنوان سربازان اجیر به جنوب ایتالیا کوچ کردند. آنان ابتدا در خدمت اربابان محلی لومباردی و بیزانسی جنگیدند اما به سرعت با زیرکی و جنگ‌آوری، موقعیت خود را مستحکم کردند. پیوندهای آنها با لومباردها سبب شد تاروندی از رشد را به خوبی طی کنند که از سربازانی مزدور آنها را به دوک‌های سرشناس رساند (Loud, 2000: 57; Joranson, 1948: 225). به رهبری خاندان مشهوری چون هوتویل‌ها^{۱۳}، به ویژه برادرانی مانند رابرت گیسکارد و روجر اول، به تدریج کنترل کل جنوب ایتالیا (از جمله دوکنشین‌های آپولیا، کالابریا) و جزیره سیسیل را از دست بیزانسی‌ها و مسلمانان خارج ساختند (Norwich, 1967: 98). ازدواج رابرت با سیکلگایت، دختر گایمر پنجم، شاهزاده سالرنو، به وضوح مشخص می‌کند چرا به او لقب گیسکارد (مکار) داده شده بود (Theotokis, 2014: 89). فتح سیسیل که بین سال‌های ۱۰۶۱ تا ۱۰۹۱ به طول انجامید، یک موفقیت استراتژیک بزرگ بود. این امر نه تنها یک پایگاه قدرتمند در مرکز مدیترانه در اختیار نورمن‌ها

¹³ Hautevilles

گذاشت، آنان را به صورت مستقیم با جهان اسلام درگیر کرد و تجربه‌ای گران‌بها از جنگ با مسلمانان برای آنان فراهم آورد. حمله به امپراتوری بیزانس (دهه ۱۰۸۰ میلادی) که توسط رابرت گیسکارد رهبری شد، تنها یک یورش معمولی نبود، بلکه تهاجمی تمام‌عیار با هدف تاج و تخت قسطنطنیه محسوب می‌شد. گیسکارد با استفاده از حضور یک مدعی امپراتوری به نام رائل، که خود را برادر امپراتور سابق، میخائیل هفتم، جا می‌زد، برای لشکرکشی خود بهانه مشروعیتی ساخت (Komnene, 2009: 51). هدف استراتژیک اولیه او بندر حیاتی دیراخیوم^{۱۴} در ساحل آدریاتیک بود که کلید دروازه‌های امپراتوری بیزانس به شمار می‌رفت. آنا کومنه، که خود شاهد این رویدادها بود، با جزئیاتی دقیق به شرح این حمله می‌پردازد. او از آماده‌سازی گسترده ناوگان نورمن می‌گوید و تأکید دارد که گیسکارد «مصمم بود تا به هر قیمتی که شده امپراتوری روم را تسخیر کند» (Komnene, 2009: 55) گزارش او از نبرد دیراخیوم در ۱۰۸۱ میلادی از مهم‌ترین منابع دست اول است. کومنه با وجود بیان شکست اولیه نیروهای بیزانسی، شجاعت و مهارت نظامی نورمن‌ها را توصیف می‌کند و اعتراف می‌نماید که «فرانک‌ها [نورمن‌ها] با نیزه‌ها و شمشیرهایشان به صفوف ما حمله کردند و مقاومت در برابر آنان غیرممکن به نظر می‌رسید» (Komnene, 2009: 61). اگرچه مدتی بعد، نیروهای ونیزی به کمک بیزانس شتافتند و نورمن‌ها را از دیراخیوم بیرون راندند، این حمله ضربه‌ای مهلک به حیثیت و امنیت امپراتوری وارد آورد. گزارش آنا کومنه این بهانه را یک دروغ بزرگ و فریب از سوی گیسکارد می‌داند. او تصریح می‌کند که میخائیل هفتم برادر نداشت و فردی که گیسکارد همراه خود آورده بود یک «دغلکار» بیش نبود (Komnene, 2009: 51). این گزارش کومنه، اگرچه جانبدارانه است، از نظر تاریخی قابل اعتماد است. انگیزه اصلی گیسکارد نه احیای حق کسی، که توسعه‌طلبی شخصی و ثروت افسانه‌ای امپراتوری بیزانس بود. همچنین گزارش موجود در الکسیاد در توصیف نبرد دیراخیوم، به مشکلات داخلی ارتش بیزانس اشاره می‌کند. او از «بزدلی برخی از واحدها» و «فرار سربازان» سخن می‌گوید (Komnene, 2009: 60). این تهاجمات، ضعف نظامی بیزانس را آشکار کرد و این امپراتوری کهنسال را بیش از پیش در برابر ترک‌های سلجوقی آسیب‌پذیر ساخت (Brown, 2003: 156). این اقدام نورمن‌ها به طور غیرمستقیم، موقعیت ژئوپلیتیکی را ایجاد کرد که بیزانس را ناچار به درخواست کمک از غرب نمود؛ درخواستی که بهانه‌ای برای فراخوان جنگ‌های صلیبی شد.

این روند تاریخی فتوحات، یک الگوی روشن را نشان می‌دهد: نورمن‌ها از یک پایگاه ثابت (نورماندی) به سوی غرب (انگلستان) و جنوب (ایتالیا و سیسیل) گسترش یافتند و در نهایت، آماده شدند تا به سوی شرق (سرزمین‌های مقدس) حرکت کنند. هر فتح جدید و منابع آن، اعتماد به نفس و تجربه رزمی آنان را افزایش داد و آنان را به قدرتمندترین و باتجربه‌ترین جنگجویان اروپای سده یازدهم تبدیل کرد.

خط زمانی توسعه قلمرو نورمن‌ها در اروپا (Time line)



¹⁴ Dyrrhachium

۲. تحولات نظامی ناشی از فتوحات نورمن‌ها در اروپا

فتوحات نورمن‌ها تأثیراتی فراتر از تغییر مرزهای سیاسی داشت؛ آنان مبانی جنگاوری در اروپای قرون وسطی را متحول کردند و با معرفی و تثبیت استانداردهای جدید نظامی، جامعه اروپایی را هرچه بیشتر به سوی فرهنگ جنگاوری سوق دادند.

۲.۱. افزایش نظامی‌گری در اروپا

نورمن‌ها با ایجاد دولت‌های متمرکز و جنگ‌طلب در نورماندی، انگلستان و جنوب ایتالیا، یک الگوی موفقیت‌آمیز از حکومت مبتنی بر برتری نظامی را به نمایش گذاشتند. موفقیت آنان به دیگر حکام اروپا اثبات کرد که داشتن یک ارتش منظم و حرفه‌ای کلید حفظ قدرت و توسعه قلمرو است. به گفته بارتلت، فتوحات نورمن‌ها «الگویی از سازماندهی سیاسی ارائه کرد که در آن جنگاوری و حکومت‌داری به طور جدایی‌ناپذیری درهم تنیده شده بود» (Bartlett, 1994: 85). این امر موجب شد تا ارزش اجتماعی جنگاور و شوالیه در سراسر اروپا افزایش یابد و فرهنگ اشرافی بیش از پیش بر پایه فضیلت‌های رزمی تعریف شود. نورمن‌ها با ساخت صدها قلعه در سراسر قلمروهای خود، نه تنها قلمروشان را نظامی کردند، سبک زندگی دژنشینی و آماده‌باش دائمی را ترویج نمودند که تقلید از آن در میان اشراف اروپا رایج شد.

۲.۲. تکامل سیستم شوالیه‌ها در اروپا

نورمن‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تحول شوالیه‌گری از یک وضعیت صرفاً نظامی به یک مؤسسه اجتماعی-اقتصادی منسجم داشتند. آنان سیستم فئودالی را به گونه‌ای اصلاح و اجرا کردند که وفاداری شوالیه‌ها مستقیماً به دوک یا پادشاه می‌رسید، نه به اشراف میانی. این سیستم متمرکز، امکان بسیج کارآمد و گسترده نیروهای سواره نظام سنگین را فراهم می‌آورد. داگلاس خاطرنشان می‌کند که «ویلیام فاتح با اعطای زمین به شوالیه‌های خود در انگلستان، به طور مستقیم یک طبقه جنگجوی حرفه‌ای را به وجود آورد که هسته ارتش پادشاهی را تشکیل می‌دادند» (Douglas, 1964: 298). علاوه بر این، نورمن‌ها با تلفیق آیین شوالیه‌گری با ارزش‌های مسیحی، به تدریج ایدئولوژی «جنگ مقدس» را تقویت کردند. حمایت فعال آنان از کلیسا و پاپ، به شغل شوالیه‌گری بعدی مذهبی بخشید و راه را برای مشروعیت‌سازی جنگ‌های صلیبی هموار کرد.

۲.۳. توسعه دریانوردی و همکاری با دولتهای دریانورد ایتالیا

اگرچه نورمن‌ها به خاطر سواره نظامشان شهرت دارند، اهمیت دستاوردهای دریایی آنان کمتر از سواره نظام نبود. برای فتح انگلستان در سال ۱۰۶۶، ویلیام فاتح مجبور شد یک ناوگان عظیم برای انتقال اسب‌ها، سربازان و تجهیزات عبر کانال مانش سازماندهی کند. این عملیات لجستیکی پیچیده، توانایی دریانوردی نورمن‌ها را به خوبی اثبات کرد (Hooper & Bennett, 1996: 112). در مدیترانه، فتوحات رابرت گیسکارد و راجر اول در سیسیل و جنوب ایتالیا کاملاً متکی بر برتری دریایی بود. آنان با استفاده از ناوگان خود، خطوط تأمین بیزانسی‌ها و مسلمانان را قطع می‌کردند و محاصره‌های طولانی مدت شهرهای ساحلی را ممکن می‌ساختند. این تجربیات، نورمن‌ها را به یکی از قدرتمندترین نیروهای دریایی زمان خود تبدیل کرد و توانایی‌های لازم برای اجرای عملیات‌های بزرگ آبی-خاکی، مشابه آنچه در جنگ‌های صلیبی مورد نیاز بود را در اختیار آنان گذاشت. البته باید مد نظر داشت این امر بدون همکاری با دول دریانورد ایتالیا ممکن نبود.

نخستین تجلی هم‌افزایی نظامی نورمن‌ها و نیروهای محلی ایتالیایی، در تکامل همکاری‌های نظامی علیه بیزانس رقم خورد.

نورمن‌ها که در فنون محاصره زمینی و بهره‌گیری از سواره‌نظام سنگین سرآمد بودند، با درک ضعف بنیادین خود در نبردهای دریایی، ناوگان‌های محلی و جمهوری‌های دریایی نظیر جنوا و پیزا را به بازوی لجستیکی و هجومی خود مبدل ساختند. در جریان محاصره بندر باری در سال ۱۰۷۱ میلادی، رابرت گیسکارد توانست برای نخستین بار هماهنگی دقیقی میان محاصره از خشکی و انسداد کامل دریایی توسط ناوگان‌های متحد ایجاد کند. این همکاری تاکتیکی، به انتقال دانش مهندسی نورمن‌ها در ساخت برج‌های محاصره و منجنیق‌های سنگین به نیروهای دریایی انجامید که پیش‌تر تنها بر نبردهای عرشه به عرشه متمرکز بودند. این دکترین نظامی ترکیبی، همان زیربنای تاکتیکی بود که دهه‌ها بعد، سقوط شهرهای ساحلی شام در جریان جنگ‌های صلیبی را رقم زد (Stanton, 2011: 25-28).

دومین حوزه تأثیرگذاری که مستقیماً از تخصص نظامی نورمن‌ها یعنی سواره‌نظام سنگین نشأت می‌گرفت، تحول استراتژیک در مهندسی شناورهای ترابری بود. پیش از قدرت‌گیری نورمن‌ها در جنوب ایتالیا، ناوگان‌های مدیترانه‌ای فاقد توانایی لجستیکی لازم برای انتقال انبوه اسب‌های جنگی به میادین نبرد فرا دریا بودند. نورمن‌ها با تحمیل نیازهای عملیاتی خود، معماران دریایی ایتالیایی را به سمت طراحی و تکامل کشتی‌های «تاریدا»^{۱۵} سوق دادند؛ شناورهایی پهن‌پیکر که دارای درهای پشتی و پل‌های متحرک برای پیاده‌سازی سریع سواره‌نظام در ساحل بودند. این نوآوری فنی که حاصل پیوند نیاز نظامی نورمن‌ها و تخصص فنی ایتالیایی‌ها بود، سرعت عمل در تهاجمات آبی-خاکی را به شکلی انقلابی ارتقا داد و به ماشین جنگی نورمن‌ها اجازه داد تا قدرت ویرانگر سواره‌نظام خود را با حفظ آرایش نظامی به سواحل دشمن منتقل کنند (Pryor, 1988: 115-118).

در نهایت، پایدارترین میراث نظامی نورمن‌ها که ساختار اداری-نظامی دولت‌های ایتالیایی و کل اروپا را دگرگون ساخت، ابداع نهاد «امیرالامرا» یا همان «دریاسالاری»^{۱۶} در پادشاهی سیسیل بود. پادشاهان نورمن با تلفیق دیوان‌سالاری دریایی بیزانس و ساختار فرماندهی ناوگان‌های اسلامی، یک سلسله‌مراتب متمرکز نظامی پدید آوردند که پیش از آن در جمهوری‌های تجاری ایتالیا سابقه نداشت. در این دوران، فرماندهان برجسته‌ای نظیر «جورج انطاکیه‌ای»^{۱۷} تحت فرمان حاکمان نورمن، مفاهیمی چون انضباط ناوگانی، لجستیک متمرکز و فرماندهی واحد را در حوزه مدیترانه نهادینه کردند. این الگوی فرماندهی و کنترل به قدری کارآمد نشان داد که جمهوری‌های دریایی ایتالیا برای ارتقای توان رزم خود، بخش‌هایی از این ساختار سلسله‌مراتبی را اقتباس کردند تا از یک نیروی صرفاً محافظ تجاری، به یک قدرت دریایی کلاسیک و سازمان‌یافته بدل شوند (Takayama, 1993: 65-68; Matthew, 1992: 210-212).

۴.۲. تحول در جنگ‌افزارها

نورمن‌ها نه تنها در تاکتیک بلکه در فناوری‌های رزمی نیز مزیت‌های متعددی بر سایر ژرمن‌های اروپا داشتند. به طور طبیعی، محیط پردرخت شمال اروپا «تبر» را که بدو ابزار زندگی بود را به سلاحی قدرتمند برای آنها تبدیل کرد. نظر به خاصیت فیزیکی تبر که قسمت بُرنده آن در سر سلاح قرار داشت و این مسئله دوران و در نتیجه تمرکز نیرو را در نوک آن جمع می‌کرد، این سلاح را از ابزاری ساده برای زندگی روزمره به سلاحی کارآمد در میدان نبرد برای قطع اعضای بدن از روی زره تبدیل کرد. علاوه بر آن چندان که پیشتر

¹⁵ Tarida

¹⁶ Ammiratus ammiratorum

¹⁷ George of Antioch (1080-1151)

ذکر شد، نیزه‌های بلند نورمن‌ها ابزاری کارا برای از بین بردن پیاده نظام بود. اما تولید این سلاح فرایندی پیچیده نداشت. چوب محکم درختان شمالی که به‌وفور در اختیار آنها بود و تنها یک سر جنگی فلزی که راحت تر از تولید شمشیر و تبر در اختیار قرار می‌گرفت. با وجود سادگی و کارآمدی این دو سلاح از لحاظ تاریخی نمی‌توان تعمیم داد که جنگ‌افزارهای نورمن‌ها از فناوری خاص بی‌بهره بود. پژوهش‌های متالورژیکی صورت گرفته بر روی شمشیرهای موسوم به «اولفبرت»^{۱۸} - که عمدتاً از محوطه‌های گورستانی دوره وایکینگ‌ها در اروپای شمالی و مرکزی به‌دست آمده‌اند - نشان می‌دهد که برخی از این شمشیرها از فولاد با کربن بسیار بالا و خالص ساخته شده‌اند. تحلیل‌های آزمایشگاهی مشخص کرده که ساختار این فولاد، مشابه فولاد بوته‌ای^{۱۹} است که در خاورمیانه و آسیای مرکزی تحت عنوان فولاد دمشقی شناخته می‌شد. این فلز در مقایسه با فولاد ناخالص و ناهمگون رایج در اروپای قرون وسطی، از انعطاف‌پذیری، استحکام و توانایی تیزکردن بسیار بالاتری برخوردار بود (see: Williams, 2012: 125-130).

از آنجا که تولید چنین فولاد پیشرفته‌ای در اسکاندیناوی آن دوره نامعلوم است، یک گمانه‌زنی علمی قوی مطرح شده مبنی بر اینکه مواد خام (شمش‌های فولادی) یا خود این فناوری از طریق شبکه‌های تجاری گسترده وایکینگ‌ها با شرق به اروپا رسیده است. شواهد باستان‌شناسی مانند کشف مقادیر انبوه سکه‌های نقره اسلامی در گنجینه‌های اسکاندیناوی، حضور بازرگانان نورمن/روس در مسیرهای رود ولگا و دریای خزر، و ارتباطات تجاری با سرزمین‌های قفقاز، ایران و خراسان، از احتمال انتقال این کالا یا دانش فنی از جهان اسلام به شمال اروپا حمایت می‌کند (Kovalev & Kaelin, 2007: 565, Shepard, 2008: 503).

علاوه بر این دستاورد در حیطه‌ی تسلیحات، به‌طور مشخص می‌توان به دو نوآوری مهم و متمایز نورمن‌ها و تأثیر ماندگار آن‌ها بر جنگ‌های قرون وسطی اشاره نمود.

- سواره نظام سنگین: نورمن‌ها استفاده از زره‌های زنجیری بلندِ هوپرک^{۲۰} (خفتان) و نیزه‌های سنگین را که زیر بغل گرفته می‌شد، به اوج خود رساندند. این فن نظامی اصطلاحاً تکنیک نیزه‌ی خوابانده شده^{۲۱} نامیده می‌شد. این ترکیب، ضربه سواره نظام را بسیار قدرتمندتر می‌کرد (Nicolle, 1987: 34).

- قلعه‌سازی: آنان با ساخت انبوه قلعه‌های موت و بیللی، تحولی جدی در کنترل زمین به وجود آوردند. این قلعه‌ها سریع ساخته می‌شد و برای دفاع مؤثر بود. از این رو امکان تثبیت حاکمیت در مناطق تازه فتح‌شده را فراهم می‌کرد. به همین سبب این قلاع کم‌هزینه و زود بازده به عنوان پایگاهی برای عملیات‌های بعدی عمل می‌کرد. کاربرد استراتژیک قلعه‌ها توسط نورمن‌ها، استاندارد شد که صلیبیون با تغییراتی، در سرزمین مقدس از آن تقلید کردند (Brown, 1984: 67). باید مد نظر داشت که تغییراتی که نورمن‌ها با خود به کشورهای دیگر اروپایی آوردند مورد تقلید قوای فرانک نیز قرار گرفت. از این رو روند نظامی شدن اروپا که پس از ورود ژرمن‌ها به امپراطوری روم آغاز شده بود، به اوج رسید. ترکیب بهبود تسلیحات، سواره نظام، قلعه‌سازی، ناوگان دریایی و سازماندهی فتودالی متمرکز، سخت‌افزار نظامی کافی را برای توسعه طلبی اروپا به طور عام و کلیسا به طور خاص فراهم کرد.

۳. تأثیر نورمن‌ها در تسریع روند جنگ‌های صلیبی

¹⁸ Ulfberht

¹⁹ Crucible Steel

²⁰ hauberk

²¹ couched lance technique

تأثیر نورمن‌ها بر تسریع روند جنگ‌های صلیبی صرفاً از طریق تحولات نظامی نبود، بلکه با اقدامات مستقیم سیاسی و ایدئولوژیک، بستر لازم را برای موفقیت اولیه فراخوان جنگ‌های صلیبی فراهم کرد. نقش آنان را در این زمینه می‌توان در چند محور کلیدی بررسی کرد.

۳.۱. نورمن‌ها جنگاوران کلیسا می‌شوند

نورمن‌ها با زیرکی خود را به عنوان مدافعان و مجریان اراده کلیسای رم تثبیت کردند. این نقش‌آفرینی به ویژه در دو جبهه مشهود بود. در اسپانیا، نورمن‌ها در نبردهای بازپس‌گیری^{۲۲} علیه مسلمانان شرکت جستند و در جنوب ایتالیا و سیسیل، فتوحات خود را با عنوان «جنگ مقدس» برای بیرون راندن مسلمانان و بیزانسی‌ها (که از نظر کلیسای رم مرتد محسوب می‌شدند) توجیه می‌کردند. به گفته جان‌اتان ریلی-اسمیت «فتح سیسیل توسط نورمن‌ها نمونه اولیه‌ای از یک جنگ صلیبی موفق بود؛ جنگی که با حمایت پاپ و برای گسترش قلمرو مسیحیت انجام شد (Riley-Smith, 2005: 28)». «هنگامی که پاپ لئون نهم در سال ۱۰۵۳ توسط نورمن‌ها اسیر شد، آنان به جای نابودی او، با او به توافق رسیدند و در ازای به رسمیت شناخته شدن فتوحاتشان، وفاداری خود به کلیسا را اعلام کردند. این اقدام هوشمندانه، آنان را از مهاجمانی یاغی به «شمشیر کلیسا» تبدیل کرد.

۳.۲. رقابت‌های نظامی و اقتصادی با بیزانس

تهاجمات مکرر نورمن‌ها به قلمرو امپراتوری بیزانس در بالکان (به ویژه تحت رهبری رابرت گیسکارد در دهه ۱۰۸۰) تأثیر مستقیمی بر تشویق جنگ‌های صلیبی داشت. این حملات، امپراتوری بیزانس را که از شرق نیز تحت فشار سلجوقیان قرار داشت، به شدت تضعیف کرد. آنا کومنه در کتاب «الکسیاد» به صراحت از رابرت گیسکارد به عنوان «طاعون وحشتناکی» یاد می‌کند که از غرب برخاسته است (Komnene, 2009: 51). این ضعف مضاعف، امپراتور الکسیوس اول کومننوس را مجبور ساخت تا از دشمنان دیرینه خود در غرب (لاتین‌ها) درخواست کمک نظامی کند. این درخواست کمک، بهانه‌ای حیاتی در اختیار پاپ اوربان دوم قرار داد تا فراخوان خود برای یاری به شرق مسیحی را توجیه کند. براساس پیشینه‌ی رقابت‌های واحدهای قدرت ایتالیا، اعم از لمباردها، ونیزی و نورمن‌ها، این موقعیتی ارزشمند برای تقویت برتری دریایی و تجاری به نفع ایتالیا بود که در نهایت به همین امر نیز منجر شد. نورمن‌ها با کنترل مسیرهای دریایی مدیترانه و رقابت با بیزانس بر سر ثروت‌های این منطقه، انگیزه‌های اقتصادی قدرتمندی برای تضعیف بیشتر این امپراتوری داشتند.

۳.۳. شواهدی که به دنبال جنگ‌های تازه می‌گشتند

ساختار فئودالی نورمن‌ها و سیستم ارث‌برداری آنان (به ویژه قانون ارشدیت که تمام میراث را به پسر بزرگتر می‌داد) باعث شده بود تعداد زیادی از اشراف‌زادگان جوان و بی‌زمین به وجود آیند که به دنبال میدانی برای ابراز وجود انرژی، جاه‌طلبی و مهارت‌های رزمی خود می‌گشتند. این «پسران جوان بی‌زمین»، به صورت طبیعی به سوی مرزهای جهان مسیحیت از جمله اسپانیا و ایتالیا جذب می‌شدند. آلن برون خاطرنشان می‌کند که «انرژی ویرانگر این جنگجویان بی‌صاحب، نیازمند کانالیزه شدن به مسیری جدید بود» (Brown, 1984:91). هنگامی که فراخوان جنگ صلیبی برای فتح سرزمین‌های ثروتمند شرق داده شد، این گروه از نورمن‌ها

²² Reconquista

مشتاقانه‌ترین و آماده‌ترین داوطلبان بودند. شخصیت‌هایی مانند بوهوموند تارانته^{۲۳} که در جنوب ایتالیا برای خود قلمروی بزرگی نیافته بود، نمونه بارز این گروه بودند که جنگ صلیبی را فرصتی طلایی برای کسب زمین و مقام می‌دیدند.

۴.۳. تغییرات نورمن‌ها در ساختار سیاسی در اروپا، حکومت‌های نورمن

نورمن‌ها پس از تثبیت جایگاه خویش، به سرعت از جنگجویانی صرف، به معماران ساختارهای نوین سیاسی و نظامی بدل شدند. یکی از بارزترین نمونه‌های این دگردیسی، ایجاد حکمرانی ترکیبی در انگلستان پس از فتح سال ۱۰۶۶ میلادی بود. آن‌ها با تلفیق سنت‌های حقوقی آنگلو ساکسون و نظام فئودالی متمرکز قاره‌ای، دیوان‌سالاری کارآمدی را پایه‌ریزی کردند که پادشاه را در رأس هرم قدرت نظامی و اقتصادی قرار می‌داد. این تمرکزگرایی نظامی، به نورمن‌ها اجازه داد تا ارتش‌هایی منسجم‌تر و وفادارتر تربیت کنند که اندکی بعد، الگویی موفق برای بسیج نیروها در جنگ‌های صلیبی گردید (Douglas, 1964: 250-252).

در کنار انگلستان، استقرار نورمن‌ها در جنوب ایتالیا و سیسیل، شاهکار دیگری از حکمرانی ترکیبی را به نمایش گذاشت. آن‌ها با فتح سیسیل در اواخر قرن یازدهم میلادی، به جای نابودی ساختارهای پیشین، عناصر دیوان‌سالاری بیزانسی، لاتین و اسلامی را با یکدیگر درآمیختند. این رویکرد پراگماتیک، نه تنها اقتصاد و توان نظامی سیسیل را شکوفا کرد، به نورمن‌ها آموخت که چگونه می‌توانند بر جمعیت‌های ناهمگون مذهبی و قومی حکومت کنند؛ تجربه‌ای گران‌بها که بعدها در تأسیس پادشاهی‌های صلیبی در شام و اورشلیم به شدت استفاده شد (Matthew, 1992: 115-118).

افزون بر نوآوری‌های سیاسی، نقش نورمن‌ها در ترویج و نهادینه‌سازی ایده‌ی «جنگ مقدس» بسیار بنیادین بود. اتحاد استراتژیک آن‌ها با نهاد پاپ که در معاهده ملفی در سال ۱۰۵۹ میلادی تبلور یافت، به فتوحات نظامی آن‌ها مشروعیتی الهی بخشید. پاپ‌ها با اعطای پرچم‌های مقدس به رهبران نورمن برای فتح سیسیل مسلمان و همچنین انگلستان، عملاً مفهوم جنگاوری در راه خدا را پیش از آغاز رسمی جنگ‌های صلیبی تمرین و ترویج کردند. این مشروعیت‌بخشی مذهبی، تجاوزات سرزمینی اشراف بی‌زمین نورمن را به رسالتی الهی و مقدس ارتقا داد (Tyerman, 2006: 54-56).

بنابراین، نورمن‌ها با ایجاد دولت‌های قدرتمند و متمرکز در انگلستان و سیسیل از یک سو، و پذیرش نقش بازوی نظامی کلیسای کاتولیک در نبرد با دشمنان کلیسا از سوی دیگر، بستر مادی و ایدئولوژیک جنگ‌های صلیبی را هموار ساختند. ترکیب این دیوان‌سالاری منعطف و آن ایدئولوژی جنگ مقدس، اشراف‌زادگان نورمن را به موتور محرکه اصلی در فراخوان پاپ اوربان دوم در سال ۱۰۹۵ میلادی تبدیل کرد. در واقع، حرکت به سوی اورشلیم تنها گام بعدی منطقی برای نیرویی بود که پیش‌تر در سیسیل و انگلستان، تلفیق شمشیر و صلیب را با موفقیت آزموده بود (Asbridge, 2004: 40-42).

۵.۳. حضور نورمن‌ها در فراخوان‌های اولیه کلیسا برای جنگ‌های صلیبی

نورمن‌ها تنها دریافت‌کنندگان منفعل فراخوان کلیسا نبودند؛ آنان در شکل‌گیری و ترویج ایده جنگ صلیبی نقشی فعال ایفا کردند. گفته می‌شود که پاپ اوربان دوم، هنگام ایراد خطابه معروف خود در شورای کلرمونت در سال ۱۰۹۵، از حضور و حمایت مقامات کلیسای نورمن بهره برد. به‌ویژه، اسقف آدهمار دو موتیل^{۲۴}، اسقف اعظم لوپوی، که به عنوان رهبر روحانی جنگ صلیبی اول انتخاب شد، نقشی کلیدی در متقاعد کردن سایر اشراف اروپایی ایفا کرد (Tyerman, 2006: 75). این حضور فعال در بالاترین سطوح

²³ Bohemond of Taranto

²⁴ Adhemard de Montille

برنامه‌ریزی، تضمین می‌کرد که هم منافع نورمن‌ها در اجرای این کمپین بزرگ در نظر گرفته شود و هم از تجربیات نظامی آنها بهره برده شود. پس از فراخوان، اشراف نورمنی مانند بوهموند تارانتو و برادرزاده‌اش تانکرد، از اولین کسانی بودند که به سپاه لشکرکشی شوالیه‌های صلیبی پیوستند و سپاه بزرگی را سازماندهی کردند. رهبری نظامی و تجربه رزمی آنان در جنگ صلیبی اول، به‌ویژه در محاصره‌ی دشوار انطاکیه، به عاملی تعیین‌کننده برای پیروزی صلیبیون تبدیل شد.

۴. نورمن‌ها در جنگ‌های صلیبی

نقش نورمن‌ها در خود جنگ‌های صلیبی، به ویژه لشکرکشی اول، نقشی محوری و تعیین‌کننده بود. آنان نه فقط به عنوان سرباز، بلکه به عنوان فرماندهان، استراتژیست‌ها و حاکمانی ظاهر شدند که تجربه و مهارت خود را از اروپا به صحنه نبرد شرق آوردند. این امر از چشم مورخان مسلمان نادیده نماند چنانکه پیش از هر چیز، ابن‌اثیر با اشاره به راجر (رجار) سیسیلی پسر رابرت گیسکارد، حمله «افرنج» به شام را در ادامه حملات آنها به اندلس و سپس سیسیل می‌داند. «سپس در سال ۴۸۴ هجری (۱۰۹۱/۱۰۹۲ میلادی)، {افرنج} به جزیره سیسیل لشکرکشی کردند و آن را فتح کردند... آنها همچنین به بخش‌هایی از آفریقه نیز حمله کردند، برخی از آن را فتح کردند... قبل از اینکه سرزمین‌های دیگری را فتح کنند، همانطور که می‌بینید. در سال ۴۹۰ هجری (۱۰۹۱/۱۰۹۰ میلادی)، آنها به شام لشکرکشی کردند. دلیل عزیمت آنها این بود که پادشاه آنها، بردویل، ارتش بزرگی از فرانک‌ها را جمع‌آوری کرده بود و او از خویشاوندان راجر فرانکی بود که سیسیل را فتح کرده بود.» (ابن‌اثیر، ۱۰: ۱۹۶۵/۲۷۲)

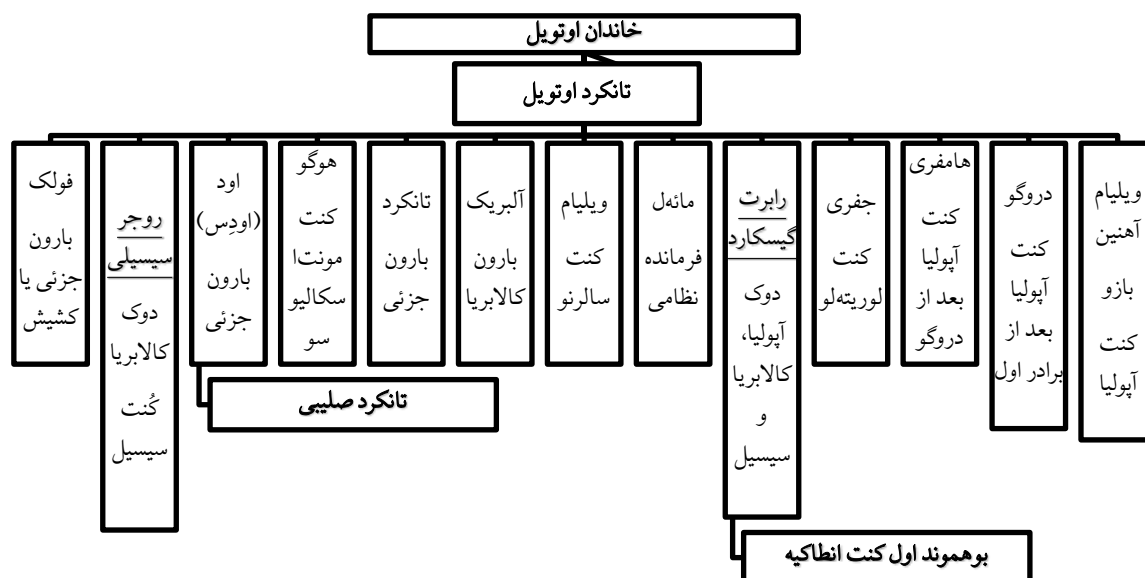
ابن‌اثیر به خوبی رد توسعه قلمرو نورمان‌ها را به سرزمین‌های اسلامی دنبال می‌کند. این رد تاریخی^{۲۵} در طول وقایع جنگ‌های صلیبی تبدیل به گزارش‌هایی شد که نشانگر اطلاع مورخان مسلمان از ماهیت نورمن‌ها است؛ هرچند که در بیانی کلی همه آنها را افرنج می‌نامیدند. یکی از افرادی که در این گزارش‌ها مکرراً و با داده‌های دقیق از او یاد می‌شود، بوهموند است.

بوهموند تارانتو، فرزند رابرت گیسکارد، فردی هوشمند، جاه‌طلب و بی‌رحم بود. او فرماندهی با استعداد و بسیار سیاستمدار بود که به دنبال تأسیس قلمروی شخصی برای خود در شرق بود؛ چندان که هم منازعات او در منابع لاتینی به وضوح مشخص است و هم سیاست‌ورزی او در منابع اسلامی منعکس شده است (ر.ک. ابن‌عديم، ۱۴۲۵: ۳۴۸/۱). شاهزاده رومی، آنا کومنه او را این‌گونه توصیف می‌کند: «بوهموند... در طراحی حيله‌ها و دام‌ها برای فریب دشمن مهارتی خارق‌العاده داشت» (Komnene, 2009: 325).

ابن‌عديم فتح انطاکیه را با جزئیات نقل می‌کند و در نهایت به نقش بوهموند در این فتح اشاره می‌کند: «فجمعهم بیمند و قال لهم: «هذه أنطاكية إن فتحناها لمن تكون؟» فاختلفوا، وكلّ طلبها لنفسه، فقال: «الصّواب أن يحاصرها كلّ رجل منا جمعة؛ فمن فتح في جمعته فهي له»، فرضوا بذلك. فلما كانت نوبته دلی لهم الزّاد- لعنه الله- حبلا، فطلعوا من السّور، و تكاثروا، ورفع بعضهم بعضا و جاءوا إلى الحراس، فقتلوهم، و تسلّمه بیمند بن الانبرت» (ابن‌عديم، ۱۴۲۵: ۳۴۸/۱). «پس بوهموند آنان [رهبران صلیبی] را گرد آورد و به آنها گفت: این انطاکیه است؛ اگر آن را فتح کنیم، مال چه کسی خواهد بود؟ پس اختلاف کردند و هر کدام آن را برای خود خواست. بوهموند گفت: راه درست این است که هر یک از ما به مدت یک هفته [شهر] را محاصره کند؛ پس هر کس که در هفته‌ی او شهر گشوده شود، شهر از آن اوست. آنها به این [پیشنهاد] رضایت دادند. وقتی نوبت او [بوهموند] رسید، آن آهنگر [فیروز]

²⁵ Historical trace

- که خداوند او را لعنت کند - ریسمانی برای آنها [سربازان بوهوموند] فرود آورد. پس آنان از دیوار بالا رفتند و تعدادشان فزونی یافت و برخی، برخی دیگر را [به بالا] کشیدند و به سوی نگهبانان آمدند و آنها را کشتند و بوهوموند پسر انبرت شهر را به تسخیر درآورد.» «الانبرت» در واقع تحریف عربی نام «رابرت»^{۲۶} است. چندان که بیمند تعریب بوهوموند است. از این رو «بیمند بن الانبرت» همان «بوهوموند بن رابرت» است. اطلاعات ابن عدیم از رابطه خاندان اوتویل تقریباً دقیق است. البته این مورخ تانکرد (طنکرید) را خواهرزاده‌ی بیمند می‌داند: «ابن اخته طنکرید» (ابن عدیم، ۱۴۲۵: ۳۴۸/۱)؛ در حالی که تانکرد فرزند اود، برادرزاده‌ی بوهوموند بود.



سوالی اینجا مطرح می‌شود که چرا مورخان مسلمان اعم از ابن عدیم یا ابن اثیر چنین دقیق از نورمن‌ها اطلاع داشتند. در پاسخ باید گفت، از جهتی تقابل نورمن‌های اوتویل با مسلمانان در سیسیل میزانی از آگاهی را در اختیار مسلمانان قرار داده بود و این تخصصات به صورت پیوسته به شام کشیده شد. از سوی دیگر، افرادی مانند ادریسی، جغرافی‌دان معروف دربار نورمن‌های سیسیل حضور داشتند (Hillenbrand, 2017: 450)؛ و در نهایت باید به تمایز نظامی نورمن‌ها در جنگ‌های صلیبی اشاره کرد که در چشم مسلمانان آنها را از سایر «افرنج» متمایز می‌کرد. اولین کنت‌نشین صلیبی توسط فردی فرانسوی (بالدوین بولونیایی) تأسیس شد. از آنجایی که ادسا شهری مسیحی بود و در ابتدا اهمیت راهبردی و اقتصادی چندانی نیز نداشت، در منابع اسلامی انعکاس زیادی نیافت. فتح انطاکیه به مراتب تأثیر گذارتر بود. فاتح آن، بیمند، هم به دلیل تأسیس کنت‌نشینی که برای مدت طولانی پایگاه محکمی برای صلیبیان ایجاد کرد در اذهان ماند؛ و هم اینکه پس از فتح انطاکیه فعالانه به مقابله با سپاه زبده اسلامی از جمله سپاه ترکمانان مشغول شد.^{۲۷}

تکنیک‌های نظامی که صلیبیان نورمن در برابر مسلمانان از جمله سلجوقیان روم استفاده کردند و توانستند در جنوب سپاه فاطمیان را در هم بشکنند، در خاطره‌ی مسلمانان تأثیرگذار بود؛ هرچند که از روایات منابع اسلامی می‌توان به شوک ناشی از شکست دست یافت و نه تکنیک‌های نظامی خاص نورمن‌ها. بخش مهمی از پیروزی‌های قاطع نورمن‌ها در ابتدای جنگ‌های صلیبی ناشی از تکنیک

^{۲۶} Robert

^{۲۷} برای اطلاع بیشتر از قوای نظامی بوهوموند در فتح انطاکیه ر.ک (Asbridge, 2004: 215).

«نیزه خوابانده شده» بود.

تکنیک نیزه خوابانده شده، که در آن نیزه بلند به‌طور ثابت زیر بغل گرفته شده و با ترکیب قدرت اسب، زین پستی‌دار و رکاب‌های محکم به‌عنوان یک سلاح تک‌ضربه‌ای متمرکز به کار می‌رفت، نقطه اوج تحولات نظامی سواره‌نظام در اروپای سده‌های یازدهم و دوازدهم میلادی بود. با آغاز جنگ‌های صلیبی، این نوآوری تاکتیکی به همراه شوالیه‌های نورمن و فرانک به صحنه‌های نبرد خاورمیانه منتقل شد. این تکنیک تا قبل از نبرد حطین یکی از عوامل مهم پیروزی صلیبیان در برابر مسلمانان بود. پیش از این گفته شد که این تکنیک با قدرت‌گیری نورمن‌ها در اروپا شایع شد. جان فرانسی در تحلیل خود از جنگ صلیبی اول تأکید می‌کند که پیروزی‌های قاطع صلیبیون در نبردهایی مانند دوریله‌اوم (۱۰۹۷)^{۲۸} و عسقلان (۱۰۹۹)^{۲۹} مستقیماً مرهون توانایی آن‌ها در اجرای یک «حمله هماهنگ سواره نظام سنگین با نیزه‌های مهارشده» بود (France, 1999: 176). این حمله متمرکز قادر بود خطوط پیاده‌نظام و سواره‌نظام سبک‌تر مسلمانان را که معمولاً از نیزه به‌عنوان سلاح پرتابی یا برای ضربه‌های متعدد استفاده می‌کردند، در هم بشکند. این امر به‌ویژه برای سپاه عرب که به‌طور سنتی از نیزه‌های کوتاه استفاده می‌کردند تبعات مهلکی داشت. شکست‌های سهمگین سربازان پیاده‌نظام فاطمی در ابتدای جنگ‌های صلیبی سبب شد تا ریچارد I سمیل در اثر بنیادین خود خاطرنشان کند که دکترین نظامی پادشاهی‌های صلیبی تا پیش از شکست فاجعه‌بار حطین (۱۱۸۷) شدیداً بر «ضربه قاطعانه سواره نظام نیزه‌دار» متکی بود (Smail, 1995: 83). کارایی این روش در شرایط ایده‌آل - زمین هموار، غافلگیری نسبی دشمن و امکان شتاب‌گیری کافی -، غیرقابل انکار بود و صلیبیون بارها با تکیه بر آن از وضعیت‌های دشوار جان سالم به در بردند.

۴.۱. مقابله مسلمانان با تکنیک‌های نورمن‌ها در جنگ‌های صلیبی

با وجود قدرت ویرانگر، کاربرد تکنیک نیزه‌ی خوابانده شده در شرق با چالش‌ها و محدودیت‌های جدی روبه‌رو شد. این محدودیت‌ها به تدریج توسط فرماندهان مسلمان شناسایی و راه‌هایی برای مقابله با آن در پیش گرفته شد. نخست، اجرای یک حمله مؤثر به زمین‌های هموار و فضاها با نیاز داشت. در مناطق کوهستانی یا ناهموار فلسطین و سوریه، امکان مانور و شتاب‌گیری برای سواره‌نظام سنگین به شدت کاهش می‌یافت. از این رو ترکمانان با استفاده از برتری سبکی خود غالب نبردهای دوران اتابکان زنگی را به نواحی کوهستانی کشاندند. دوم، ماهیت این تکنیک، سواره‌نظام را به یک حرکت تقریباً مستقیم و یک‌باره محدود می‌کرد. فرماندهانی مانند صلاح‌الدین ایوبی با به کارگیری تاکتیک‌های نوری (سپاه نورالدین محمود زنگی) که متکی بر اجتناب از درگیری، تیراندازی روی اسب به سبک ترکمانان و نبرد فرسایشی بود، از مواجهه‌ی مستقیم اجتناب کرد. این روش به تدریج به صورت روش‌های منسجمی درآمد که با استفاده از تیراندازان سواره و پیاده، پیاده‌نظام صلیبی را از سواره نظام جدا کرده و سپس نیروهای خسته و پراکنده را محاصره می‌کردند (Nicolle, 2007: 156-158). نبرد حطین (۱۱۸۷) نمونه‌ای شاخص از خنثی‌سازی موفق تکنیک نیزه خوابانده شده است. همان‌طور که اسمیل تحلیل می‌کند، ترکیب «گرمای طاقت‌فرسا، کمبود آب و حملات مداوم تیراندازان» باعث از هم پاشیدن انسجام نیروهای صلیبی شد، به طوری که آن‌ها هرگز نتوانستند یک حمله هماهنگ و

^{۲۸} از آنجایی که منابع اسلامی توصیفی با جزئیات از این واقعه ارائه نداده‌اند و به‌طور کلی به انهزام ترکمانان اشاره کرده‌اند نمی‌توان حتی از پژوهش‌هایی که متکی بر منابع متقدم هستند تکنیک‌های نظامی را استخراج نمود. برای اطلاع بیشتر ر.ک. (زکار، ۲۰۰۷: ۲۳۲/۱) برای اطلاع بیشتر از این نبرد ر.ک (France, 2006: 363-364).

^{۲۹} ابن قلاسی از عبارت کلی و ادبی «تمکنت سیوف الأفرنج من المسلمین» استفاده می‌کند که به معنای شکست خوردن مسلمانان است و نه لزوماً استفاده از شمشیر. (ابن قلاسی، ۱۹۸۳: ۲۲۳) برای اطلاع بیشتر از این نبرد ر.ک. (Mulinder 2006, p.113).

مؤثر با نيزه‌های بلند را ترتيب دهند (Smail, 1995: 135). شکست در حطين نشان داد که اين سلاح برتر، در صورت از دست دادن عامل غافلگيري و برتری شرايط محيطی توسط دشمن، می‌تواند بی‌اثر شود. با اين حال اثر تقدم اين تکنیک نورمنی سبب شد تا به نماد شوالیه صلیبی تبديل شود (Marshall, 1992: 173).

نتیجه

پژوهش حاضر با واکاوی نقش‌آفرینی نورمن‌ها در فاصله سده‌های دهم تا دوازدهم میلادی، در پی پاسخ‌گویی به اين پرسش اساسی بود که فتوحات آنان در قاره اروپا، چگونه مسیر وقوع جنگ‌های صلیبی را هموار ساخت. برآیند یافته‌ها حاکی از آن است که نورمن‌ها نه از روی تصادف، بلکه در نتیجه یک فرایند هدفمند و چندوجهی، به یکی از پیش‌ران‌های اصلی و زمینه‌ساز اين جنبش عظیم تاریخی مبدل گشتند. دستاوردهای بنیادین اين پژوهش را می‌توان در سه سطح ذیل تبیین نمود: ۱. در سطح نظامی و سازمانی: نورمن‌ها با تکامل بخشیدن به آرایش سواره‌نظام سنگین (با تمرکز بر تکنیک نيزه ثابت و خوابانده)، توسعه شتابان دژهای نوع «موت و بیل» و استقرار یک نظام فتودالی متمرکز و کارآمد، الگویی موفق از ماشین جنگی و سازمان رزم ارائه نمودند. اين دستاوردها، توان نظامی اروپای فتودال را به طرزی چشمگیر ارتقا بخشید و بعدها به سرمشقی عملی برای جنگجویان صلیبی در جبهه‌های شرق بدل گردید. ۲. در سطح سیاسی و ژئوپلیتیک: یورش‌های نظامی نورمن‌ها به شبه‌جزیره بالکان و تشدید رقابت آنان با امپراتوری بیزانس، اين قدرت کهن سال را تا لبه پرتگاه فروپاشی پیش راند و حاکمان آن را ناگزیر به استمداد از قدرت‌های غربی ساخت. همین درخواست یاری، دستاویزی حیاتی و تاریخی در اختیار پاپ اوربان دوم قرار داد تا فراخوان مشهور صلیبی خویش را صادر نماید. ۳. در سطح ایدئولوژیک و اجتماعی: نورمن‌ها با تسخیر جزیره سیسیل تحت لوای «جنگ مقدس» و تثبیت جایگاه خویش به عنوان «شمشیر کلیسا»، نمونه‌ای عینی و کامیاب از درآمیختگی توسعه‌طلبی ارضی با مشروعیت دینی را به منصه ظهور رساندند. افزون بر اين، پویایی ساختار اجتماعی در جامعه نورمن‌ها که پیوسته موجی از اشراف‌زادگان جاه‌طلب و فاقد زمین را بازتولید می‌کرد، نیروی انسانی مستعد و پرنگیزه‌ای را برای لبیک‌گویی به فراخوان صلیبی مهیا ساخت.

بر پایه استدلال‌های ارائه‌شده، می‌توان اين ادعا را منطقی و استوار دانست که نورمن‌ها با «مهندسی» هم‌زمان سخت‌افزار نظامی، نرم‌افزار ایدئولوژیک و دگرگونی در معادلات ژئوپلیتیک، بستری همه‌جانبه و بی‌بدیل را پی‌ریزی کردند؛ بستری که پاسخ گسترده مسیحیان به ندای شورای کلرمونت و پیروزی‌های نخستین صلیبیون را کاملاً امکان‌پذیر ساخت.

منابع

- ابن اثیر، علی‌بن محمد (۱۹۶۵). *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر.
- ابن العدیم، عمر بن احمد العقیلی (۱۴۲۵). *زبدۃ الحلب فی تاریخ حلب*، تحقیق خلیل المنصور، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن قلانسی، حمزه بن اسد (۱۹۸۳). *تاریخ دمشق لابن القلانسی*، محقق سهیل زکار، دمشق: دار حسان للطباعة و النشر.
- زکار، سهیل (۲۰۰۷). *تاریخ دمشق*، دمشق: التکونین.
- Asbridge, T. (2004). *The First Crusade: A New History*, London: Simon & Schuster.
- Bartlett, R. (1994). *The Making of Europe: Conquest, Colonization and Cultural Change, 950–1350*, London: Penguin Books.
- Bates, D. (1982). *Normandy Before 1066*, London: Longman.
- Bellows, H. A. (Trans.) (1936). *The Poetic Edda*, New York: The American-Scandinavian Foundation.

- Brown, G. (2003). *The Norman Conquest of Southern Italy and Sicily*, Jefferson: McFarland & Company.
- Brown, R. A. (1984). *The Normans*, Woodbridge: Boydell & Brewer.
- Davis, R. H. C. (1976). *The Normans and Their Myth*, London: Thames & Hudson.
- Davis-Secord, S. (2017). *Where Three Worlds Met: Sicily in the Early Medieval Mediterranean*, Ithaca: Cornell University Press.
- Douglas, D. C. (1964). *William the Conqueror: The Norman Impact Upon England*, Berkeley: University of California Press.
- Douglas, D. C. (1972). *The Norman Achievement, 1050–1100*, Berkeley: University of California Press.
- France, J. (1999). *Victory in the East: A Military History of the First Crusade*, Cambridge: Cambridge University Press.
- France, J. (2006). «Dorylaion, Battle of (1097)», in *The Crusades: An Encyclopedia*, A. V. Murray (Ed.), Santa Barbara: ABC-CLIO.
- Garraghan, G. J. (1946). *A Guide to Historical Method*, New York: Fordham University Press.
- Haskins, C. H. (1915). *The Normans in European History*, Boston: Houghton Mifflin.
- Hillenbrand, C. (2017). *The Crusades: Islamic Perspectives*, London: Routledge.
- Hooper, N., & Bennett, M. (1996). *The Cambridge Illustrated Atlas of Warfare: The Middle Ages, 768–1487*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Howell, M., & Prevenier, W. (2001). *From Reliable Sources: An Introduction to Historical Methods*, Ithaca: Cornell University Press.
- Komnene, A. (2009). *The Alexiad*, E. R. A. Sewter (Trans.), London: Penguin Classics.
- Larrington, C. (Trans.) (2014). *The Poetic Edda*, 2nd ed., Oxford: Oxford University Press.
- Loud, G. A. (2000). *The Age of Robert Guiscard: Southern Italy and the Norman Conquest*, London: Routledge.
- Marshall, C. (1992). *Warfare in the Latin East, 1192–1291*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Matthew, D. (1992). *The Norman Kingdom of Sicily*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Mulinder, A. (2006). «Ascalon, Battle of (1099)», in *The Crusades: An Encyclopedia*, A. V. Murray (Ed.), Santa Barbara: ABC-CLIO.
- Nicolle, D. (1987). *The Normans*, Oxford: Osprey Publishing.
- Nicolle, D. (2007). *Crusader Warfare: Muslims, Mongols and the Struggle Against the Crusades*, London: Hambledon Continuum.
- Norwich, J. J. (1967). *The Normans in the South, 1016–1130*, London: Longman.
- Orderic Vitalis (1854). *The Ecclesiastical History of England and Normandy*, T.

Forester (Trans.), Vol. 2, London: Henry G. Bohn.

- Price, N. (2020). *The Children of Ash and Elm: A History of the Vikings*, New York: Basic Books.
- Pryor, J. H. (1988). *Geography, Technology, and War: Studies in the Maritime History of the Mediterranean, 649–1571*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Riley-Smith, J. (2005). *The Crusades: A History*, 2nd ed., New Haven: Yale University Press.
- Riley-Smith, J. (2008). *The Crusades, Christianity, and Islam*, New York: Columbia University Press.
- Shepard, J. (2008). «The Viking Rus and Byzantium», in *The Viking World*, S. Brink & N. Price (Eds.), London: Routledge.
- Smail, R. C. (1995). *Crusading Warfare, 1097–1193*, 2nd ed., Cambridge: Cambridge University Press.
- Stanton, C. D. (2011). *Norman Naval Operations in the Mediterranean*, Woodbridge: Boydell & Brewer.
- Takayama, H. (1993). *The Administration of the Norman Kingdom of Sicily*, Leiden: Brill.
- Theotokis, G. (2014). *The Norman Campaigns in the Balkans, 1081–1108*, Woodbridge: The Boydell Press.
- Tosh, J. (2022). *The Pursuit of History: Aims, Methods and New Directions in the Study of History*, 8th ed., London: Routledge.
- Tyerman, C. (2006). *God's War: A New History of the Crusades*, Cambridge, MA: The Belknap Press of Harvard University Press.
- Williams, A. R. (2012). *The Sword and the Crucible: A History of the Metallurgy of European Swords up to the 16th Century*, Leiden: Brill.
- Joranson, E. (1948). «The Inception of the Career of the Normans in Italy: Legend and History», *Speculum*, 23, No. 3.
- Kovalev, R. K., & Kaelin, A. C. (2007). «Circulation of Arab Silver in Medieval Afro-Eurasia: Preliminary Observations», *History Compass*, 5, No. 2.